

## سناریوهای احتمالی منازعه فلسطینی - اسرائیلی در آینده (دیدگاه عربی و اسرائیلی)

مختلف اسرائیلی برای آینده مناقشه را تصویر نمودند که در پی به اهم مطالب مطروحه در کنفرانس و بولتن یاد شده اشاره خواهد شد:

مهدی شوشتری

الف. سناریوهای احتمالی منازعه در ده سال آینده (دیدگاه عربی):

۱. تشدید منازعه به نفع فلسطینی ها شالوده این سناریو تشدید منازعه در راستای مصالح ملت فلسطین، افزایش قدرت مقاومت فلسطینی، عقب نشینی و پس رفت رژیم صهیونیستی در نظام بین الملل و حمایت عربی از مبارزات مردم فلسطین برای دستیابی به حقوق کاملشان می باشد. از دید طراحان، این سناریو بر وضعیت فلسطینی ها به سمت اتحاد، فعال شدن ایده و تفکر نهضتی در سطح دنیای عرب و اسلام با هدف به کارگیری کلیه امکانات برای مواجهه با چالشها، فعال شدن همکاریهای عربی و اسلامی، توسعه دایره مواجهه در صورت تداوم مناقشه و عدم پاسخ مثبت اسرائیل به درخواستهای عربی، تقویت نقش ملتهای عرب، افزایش تهدیدها علیه منافع آمریکا و اروپا به دلیل حمایت یک جانبه از اسرائیل و در عین حال شکسته شدن ائتلافهای

ظرف روزهای ۲۹-۲۷ نوامبر سال ۲۰۰۵ میلادی (۶-۸ آذر ماه) کنفرانسی علمی با عنوان «سناریوهای آتی بحران عربی-اسرائیلی، اعراب و اسرائیل تا سال ۲۰۱۵ میلادی» توسط مرکز مطالعات خاورمیانه در امان برگزار شد و متفکرین و نویسندگان عرب به بررسی و تحلیل راهبردها و سناریوهای احتمالی منازعه فلسطینی-اسرائیلی ظرف ده سال آینده در بستر شرایط و عوامل کنونی حاکم بر دو طرف منازعه، منطقه و نظام بین الملل پرداختند. در طرف اسرائیلی نیز مرکز بررسیهای استراتژیک یافا با همکاری مؤسسه سلطنتی روابط بین المللی انگلیس اخیراً طی یک مطالعه جامع با شرکت متفکرین و نظریه پردازان یهود، بولتنی با عنوان «اسرائیل و فلسطینی ها: گزینه های سیاسی برای اسرائیل» منتشر و سناریوهای

منطقه ای و بین المللی مدافع اسرائیل تأثیرات مثبت برجای خواهد گذارد و در نتیجه فرصتهای مبارزه و مواجهه به نفع قضیه فلسطین افزایش خواهد یافت.

## ۲. استمرار مناقشه براساس وضعیت کنونی

سناریوی دوم بر استمرار وضعیت کنونی حاکم بر طرفین منازعه در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی و عدم تغییر ریشه ای به رغم تغییر در متغیرهای طرفین مبتنی است. براساس این سناریو، با توجه به ادامه سیاست قلع و قمع ملت فلسطین توسط رژیم صهیونیستی و تمایل قوی این ملت برای آزادی و دستیابی به حقوق مشروع خود، وضعیت مخالفتهای مردمی فلسطینی با شرایط جاری و تمایل برای خروج از این وضعیت ادامه یافته و در مقابل، رژیم صهیونیستی با حمایت جنبش صهیونیستی و برخی حامیان بین المللی، اشغال اراضی فلسطینی و عربی را با توسل به قوه قهریه ادامه داده و مبادرت به ساخت شهرکهای یهودی نشین و یهودی سازی قدس نموده و اقدامات خصمانه این رژیم علیه ملت فلسطین از قبیل ساخت دیوار

حایل، حملات به مسجد الاقصی و حمله به افراد و داراییهای مردم با هدف تغییر واقعیتهای زمینی به نفع خود و تخلیه تدریجی ساکنین سرزمینهای اشغالی تداوم خواهد یافت. در سطح عربی و اسلامی نیز وضعیت عدم ثبات در کشورهای منطقه در زمینه های مختلف و از طریق شعله ور شدن و وقوع بحرانها و اقدامات تروریستی در داخل کشورهای عرب منطقه و در روابط میان این دولتها ادامه خواهد یافت. در سطح بین المللی نیز همراه با استمرار توازن قدرت متعارف و نامتعارف در منطقه، احتمال بقا شیوه های ائتلافهای منطقه ای و بین المللی (با اسرائیل) بدون تغییر ریشه ای وجود دارد. آثار مترتب بر این سناریو عبارتند از:

تضعیف نقش خودگردانی در تمسک به زمام امور و تحمل مسئولیتها برای برآوردن نیازها و خواسته های ملت فلسطین و کاستن از حجم رنجهای این ملت، احتمال شعله ور شدن انتفاضه های جدید برای خروج از وضعیت ناامیدی حاکم بر ملت فلسطین، رشد گرایشهای تندرو دینی و دست راستی در اسرائیل، عمیق تر شدن ضعف حاکم بر نظامهای عربی و ناتوانی این نظامها در رقم

زدن مناقشه به نفع اعراب و بازگرداندن حقوق عربی فلسطینی، رشد حالت‌های نومیدی نزد ملت‌های عرب و گسترش حالت‌های مخالفت نزد ملت‌های عربی که می‌تواند به چالشی برای نظام‌های حاکم تبدیل شود، باقی ماندن درجه اهتمام بین‌المللی به منازعه در سطح کنونی و ادامه طرح‌های سیاسی و افزایش موضع طرفدارانه آمریکا از اسرائیل.

۳. وخیم‌تر شدن وضعیت عربی به نفع طرح صهیونیستی

مجبور شدن تشکیلات خودگردان فلسطینی (در نتیجه ضعف عربی) به دست کشیدن از بخش عمده حقوق مشروع فلسطینی، ایجاد خودمختاری محدود برای ساکنین فلسطینی در کرانه غربی و نوار غزه - که براساس دیدگاه برخی نیروهای سیاسی تندرو در اسرائیل ممکن است به اردن ملحق شود، تحمیل راه‌حلهای صهیونیستی بر منازعه به ویژه روند فلسطینی، تقویت روابط اسرائیل با برخی کشورهای عربی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به نحوی که منجر به افزایش دخالت‌های

اسرائیل در روابط فی‌مابین اعراب گردد، ایجاد تغییرات ریشه‌ای در نقشه بحرانی‌های منطقه به جای مرکزیت مناقشه عربی - اسرائیلی و ایجاد درگیری‌های داخلی در کشورهای عربی براساس اصول نژادی و طایفه‌ای به جای طرح تجزیه دولت‌های عربی، بدتر شدن وضعیت عربی از طریق تضعیف اتحادیه عرب و اقدام مشترک عربی و حاکم شدن منافع محدود شخصی و کشوری و موفقیت طرح‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از مشخصه‌های بارز سناریوی سوم می‌باشند.

متفکرین و محققین، نتایج مترتب بر این سناریو را به قرار زیر می‌دانند: شکست فلسطینی‌ها در تشکیل دولت مستقل فلسطینی و جایگزینی آن با موجودیت سیاسی فلسطینی فاقد حاکمیت، بحرانی شدن وضعیت آوارگان در کشورهای عربی، ظهور اسرائیل به عنوان دولت منطقه‌ای بازدارنده، افزایش همکاری‌های امنیتی میان اسرائیل و کشورهای عربی در زمینه مبارزه با هرگونه گرایش‌های ضداسرائیلی و ضدآمریکایی، افزایش نفوذ فرهنگی و فکری آمریکایی - صهیونیستی بر عقل عربی و کشاندن توجهات عربی به سمت عادی‌سازی

و تسلیم، کاهش نقش رسمی و مردمی عربی در حمایت از قضیه فلسطین در سطوح رسمی و بین المللی، منحرف شدن کشورهای عربی از قضیه فلسطین و اهتمام به امنیت داخلی و کاهش توجه و تلاش نظام بین الملل نسبت به قضیه فلسطینی.

۴. پیشرفت روند سازش از طریق عقب نشینی طرفین

این سناریو مبتنی بر احتمال پیشرفت در روند سازش براساس حقوق و قطعنامه های بین المللی و تحقق عقب نشینی اسرائیل به خطوط ۴ ژوئن ۶۷ تدوین گردیده که متضمن استفاده کامل از امکانات اقتصادی موجود در منطقه برای بهبود وضعیت معیشتی طرفین منازعه و ایجاد احساس امنیت، موفقیت سازش میان اصل زمین در برابر صلح و حقوق فلسطینی و تعیین سرنوشت از یک سو و امنیت و مشروعیت برای اسرائیل از دیگر سو می باشد. در عین حال توقف مقاومت فلسطینی و فراهم شدن فرصت حل مشکلات ملت فلسطین و تسهیل ارتباط میان فلسطینی های داخل و خارج، استمرار

آتش بس در جبهه های عربی و برقراری آرامش و صلح براساس نوعی صلح سرد و افزایش فشارهای بین المللی جهت اجرای میثاقهای حقوق بشر برای ملت های منطقه و اجرای قطعنامه های بین المللی مربوطه و در نهایت حاکمیت سازشهای فرعی و روند صلحی مبتنی بر دستیابی به یک راه حل میانه از دیگر پیامدهای آن است. شرکت کنندگان در کنفرانس پیش بینی نمودند، این سناریو منجر به ایجاد خوشبینی های مشترک فلسطینی - اسرائیلی، افزایش رقابت برای قدرت در صفوف فلسطینی ها، تدوین سیاست خارجی فلسطینی بر مبنای عدم دشمنی با اسرائیل، توجه کشورهای عربی به امور داخلی خود و اجرای اصلاحات سیاسی و دموکراتیک و کاهش توجه به قضیه فلسطینی به بهانه پایان یافتن خطر خارجی و ایجاد توازن قوا در منطقه و کاهش شدت رقابتهای میان نظام عربی و طرحهای منطقه ای جدید خواهد شد.

ب. گزینه های اسرائیل برای مواجهه با مناقشه (دیدگاه اسرائیلی):

۱. مذاکرات برای دستیابی به توافق دائم  
براسا این دیدگاه اسرائیل باید با مد نظر قرار دادن هدف اساسی «تشکیل دولت دموکراتیک یهودی که در کنار همسایگانش در صلح زندگی نمود و ساکنانش براساس ارزشهای جامعه دموکراتیک پیشرو از زندگی طبیعی برخوردار باشند»، به سرعت بر مبنای طرح نقشه راه، مبادرت به ورود به مذاکرات حل دائم نماید. در این دیدگاه، «ابتکار ژنو» مبنای اصلی مذاکرات و ترسیم خطوط اساسی پایان منازعه و حل و فصل مناقشه براساس دیدگاه «دو دولت مستقل» قرار گرفته است. بر این اساس اسرائیل و دولت خودگردان فلسطین باید با عمل به توصیه های کمیته چهارجانبه بین المللی مندرج در طرح نقشه راه، دست به اعتماد سازی متقابل بزنند و کشورهای عربی و جهات بین المللی به ویژه ایالات متحده آمریکا باید مشوق این اقدامات باشند. در این دیدگاه اقدامات اعتماد سازی که اسرائیل می تواند انجام دهد، برجیدن شهرکهای غیرقانونی، موانع و پستهای بازرسی است که

عبور و مرور فلسطینی ها را با دشواری مواجه نموده است. آزادی بخش عمده ای از بازداشت شدگان امنیتی فلسطینی، اعطای فرصتهای کار بیشتر برای فلسطینی ها در اسرائیل و بازگشت و استقرار نیروهای امنیتی اسرائیل در مناطق پیش از آغاز انتفاضه در سپتامبر ۲۰۰۰ از جمله موارد قابل ذکر است. صاحبان این دیدگاه معتقدند که اقدامات یک جانبه به برقراری صلح کمکی نخواهد نمود. به اعتقاد آنان، سیاست شارون دستیابی به توافق مرحله ای طولانی مدت است تا اسرائیل موفق به انضمام بخشهایی از کرانه باختری به خاک خود گردد و در صورتی که این امر با تشکیل دولت مستقل فلسطینی دارای حاکمیت حقیقی در تعارض باشد، در آن صورت نمی توان به مقابله به درخواستها برای تشکیل دولت دو قومیتی - که یهودیان در آن اقلیت باشند - برخاست.

## ۲. حفظ حداکثر سرزمین

این دیدگاه با مبنای قرار دادن عامل سرزمین به عنوان جزء اساسی هویت ملت یهود، معتقد است اسرائیل باید برای حفظ هویت یهودی و سیطره منطقه ای خود،

مبادرت به توسعه یک جانبه حاکمیت خود بر مناطق تحت کنترول امنیتی خود در کرانه باختری (موسوم به مناطق ج براساس توافقات اوسلو) نماید. البته در این میان مراکز تجمع سکانی فلسطینی ها (در کرانه) و نوار غزه که در آینده باید به مرکز سیاسی فلسطینی (مرزهای موجودیت سیاسی آن) تبدیل شود، مستثنی هستند.

صاحبان این دیدگاه معتقدند هر چند وضعیت صلح وضعیت مطلوبی است، اما در صورتی که دستیابی به صلح متضمن چشم پوشی از بخشهای زیادی از سرزمین تاریخی اسرائیل یا چشم پوشی از هویت یهودی باشد، این رژیم «دولت بدون صلح» را ترجیح می دهد. براساس این دیدگاه اسرائیل آمادگی خود را برای مصالحه با پذیرش تقسیم سرزمین تاریخی خود (قطعنامه تقسیم) به اثبات رساند، اما این

اعراب بودند که حاضر به پذیرش قطعنامه تقسیم نشده و با هدف جلوگیری از تشکیل دولت اسرائیل، وارد جنگ با اسرائیل شدند. صاحب این دیدگاه معتقد است، باید روند فرسایشی اعطای امتیازهای مکرر از جانب اسرائیل براساس اصل «زمین در برابر صلح»

و عقب نشینی های متعدد از بسیاری از سرزمینهای اشغال شده در جنگ ۶۷ متوقف شود؛ زیرا باعث تقویت این دیدگاه اعراب می شود که فشارهای دیگر منجر به عقب نشینی های دیگر اسرائیل خواهد شد. در مقابل، اسرائیل باید جداسازی یک جانبه از نوار غزه و مناطق مسکونی کرانه باختری (مناطق الف و ب در توافق نامه های اوسلو) و

انضمام دیگر مناطق کرانه (مناطق ج) به خاک خود را عملی نماید و حتی به فلسطینی های ساکن در این مناطق تابعیت اسرائیلی داده و برای جلوگیری از برهم خوردن توازن جمعیتی، موج جدید مهاجرت یهودیان را سازمان دهی و اجرا نماید. در این فرمول مصر و اردن نیز باید وارد بازی شده و هر یک نوار غزه و بخشهای باقی مانده کرانه را مدیریت نمایند.

### ۳. سازشهای مرحله و اداره منازعه

این دیدگاه قایل به تغییر تدریجی مبتنی بر مجموعه سازشهای مرحله ای برای اداره منازعه است تا در آینده شرایط مناسب تری برای صلح مهیا شود. صاحبان این دیدگاه معتقدند در آینده نزدیک امکان دستیابی به حل و فصل دائم از طریق مذاکره

نیست، ضمن آنکه امکان موفقیت اقدامات یک جانبه نیز - که باید با میانجی‌گری بین‌المللی به نتیجه برسد - وجود ندارد. بنابراین پیشنهاد اداره مذاکرات برای سازش‌های مرحله‌ای طی چندین سال را با هدف کاهش شدت نزاع و تغییر شرایط و جو حاکم مطرح می‌نمایند. این دیدگاه، «ابتکار ژنو» را خطایی اصولی و این نظر را که ابتکار ژنو به وجود شریک فلسطینی برای صلح دل بسته است، رد می‌کند و بر این باور است تا زمانی که اصلاحات اساسی در تمام دستگاه‌های سیاسی، مالی و امنیتی فلسطینی ایجاد نشود، فلسطینی‌ها قادر به اداره دولت یا حفظ صلح نخواهند بود. صاحبان این دیدگاه همچنین طرح جداسازی یک جانبه شارون را اصولاً یک جانبه نمی‌دانند و معتقدند در این ابتکار مذاکره با طرف‌های آمریکایی، اتحادیه اروپا، مصری‌ها، اردنی‌ها و حتی حکومت خودگردان وجود دارد.

این دیدگاه در مقابل، پیشنهاد اقدامات برنامه‌ریزی شده جدید مرحله به مرحله براساس سابقه اسلو و مشتمل بر طرح نقشه راه راه پیشنهاد می‌نماید. این راه حل

به صورت هم‌زمان دو گام تحرک گام به گام به سمت مذاکره برای حل مشکلات اولیه و تغییر مزاج عمومی در روابط طرف را با خود یدک می‌کشد. بر این اساس گام اول می‌تواند اجرای مرحله اول نقشه راه باشد و سپس پیش از امکان آغاز مذاکرات برای توافق نهایی، در عین آنکه فلسطینی‌ها تمام توجه خود را معطوف به اصلاحات و توافق با گروه‌ها نموده‌اند، اسرائیل مبادرت به برچیدن شهرک‌های دور افتاده و متفرق، برداشتن موانع امنیتی راه‌ها برای تشویق فعالیت اقتصادی فلسطینی نموده و در عین حال ساخت دیوار حایل در کرانه را به اتمام رساند (البته این دیوار می‌تواند زمان توافق دائم برچیده شود).

۴. مداخله بین‌المللی برای اداره منازعه و حل و فصل آن

این دیدگاه مبتنی بر مداخله مستقیم بین‌المللی حتی از طریق استقرار نیروی بین‌المللی در منطقه، هدف پیش‌سپرد مذاکرات به سمت حل و فصل منازعه بر اساس دیدگاه «دو دولت» می‌باشد. براساس این دیدگاه، بهایی که اسرائیل باید برای صلح با هدف حفظ کیان خود به عنوان

دولت دموکراتیک یهودی و حفظ امنیت خود بپردازد، چشم‌پوشی از نوار غزه و کرانه باختری برای تشکیل دولت مستقل فلسطینی در کنار دولت اسرائیل است. کسب تأیید بین‌المللی، سرمایه‌گذاری اقتصادی و شرایط حسن هم‌جواری با کشورهای منطقه از مزایای این طرح خواهد بود. بنیان طرح، کلید موفقیت آن را حضور بین‌المللی می‌دانند که از طرح حمایت و بر آن نظارت نموده و برای اجرای آن کمک خواهد نمود، بدون آنکه بخواهد نظر خود را در صورت مخالفت با نظر طرفین تحمیل نماید. صاحبان این دیدگاه نبود اعتماد میان طرفین به دلیل شکست روند اسلو و از سرگیری درگیری‌ها را از پیش فرضهای طرح خود می‌دانند و معتقدند، حتی پذیرش طرح نقشه راه از سوی طرفین منازعه با هدف دستیابی به فرصت مانور است، وگرنه طرفین هیچ ایمانی به تحقق و اجرایی شدن آن ندارند. توسل به اقدامات یک‌جانبه از سوی اسرائیل پس از پذیرش نقشه راه نیز جزئی از اداره منازعه است و هیچ دید استراتژیکی در ورای آن وجود ندارد.

۵. جداسازی یک‌جانبه  
این دیدگاه مبتنی بر اقدام اسرائیل به جداسازی یک‌جانبه از نوار غزه و مناطق مسکونی در کرانه باختری به واسطه ساخت

این دیدگاه مداخله بین‌المللی با



دیوار حایل می باشد تا در نتیجه اسرائیلی ها احساس امنیت کنند؛ چرا که روزی تمام فلسطینی ها و نه فقط رهبران شان استفاده از ابزارهای تروریستی را کنار گذاشته و آماده پذیرش توافق مصالحه خواهند شد. این دیدگاه دستیابی به صلح را مطلوب اما ناممکن می داند و معتقد است در شرایط کنونی گام برداشتن در این مسیر خطرناک است. صاحبان این دیدگاه به این باور رسیده اند که از نظر اکثریت اسرائیلی ها - و نه ضرورتاً تمام رهبران سیاسی - دستیابی به توافق فلسطینی ها بر اساس اصل زمین در برابر صلح احتمال و امکان قابل قبولی نیست. وضعیت کنونی سیطره امنیتی اسرائیل بر کرانه و غزه، در عین امکان اداره خود مختار این مناطق، برای فلسطینی ها نیز در بلندمدت نمی تواند راه حل محتملی باشد. بر اساس این دیدگاه نه فقط رهبران فلسطینی بلکه تمام ساکنان فلسطین شریکی برای صلح نیستند.

در نتیجه صاحبان این دیدگاه توصیه هایی در زمینه تکمیل ساخت دیوار حایل در کرانه - به نحوی که تعداد بیشتری از شهرک نشینان (حدود سه چهارم) در طرف

اسرائیلی دیوار و مراکز سکونت فلسطینیان در طرف فلسطینی آن قرار گیرند - و پس از آن تخلیه شهرکها و شهرک نشینان واقع در قسمت شرقی دیوار (طرف فلسطینی) و در نهایت دستیابی به جداسازی کامل بین دو گروه سکانی (فلسطینی و اسرائیلی) و مناطق مربوط به هر یک از یکدیگر، می نمایند.

در نتیجه فلسطینی ها به خودمختاری در نوار غزه و مناطقی در کرانه دست پیدا خواهند کرد و تا زمان دستیابی به توافق دائمی، اسرائیل بر سیطره امنیتی خود بر مرزهای خارجی مناطق فلسطینی ادامه خواهد داد و در صورتی که فلسطینی ها موافق این امر باشند، می توانند تشکیل دولت فلسطینی را اعلام نمایند، اما اسرائیل تا زمان امضای توافق نامه نهایی صلح چنین دولتی را به رسمیت نخواهد شناخت. دستیابی به توافق نهایی نیز تا زمانی که اسرائیلی ها به این باور نرسیده باشند که فلسطینی ها واقعا آماده سازش و پذیرش دولتی یهودی هستند، غیر ممکن خواهد بود. تا زمان دستیابی به چنین وضعیتی، دولت اسرائیل باید مبادرت به اتخاذ

تصمیم‌ها و اقداماتی یک‌جانبه مبادرت نماید.

## ملاحظات و ارزیابی

۱. مهم‌ترین نکته قابل توجه در سناریوهای فوق‌الذکر در دیدگاه عربی و اسرائیلی آن، عدم اجماع در طرفین مناقشه در خصوص چشم‌انداز روشنی از حل و فصل منازعه درازمدت خاورمیانه است. به نظر می‌رسد تمامی اطراف منازعه با توجه به گره‌های اساسی مناقشه دینی موضوعات مرزها، بیت‌المقدس، آوارگان و حاکمیت دولت فلسطینی و شرایط حاکم بر طرفین منازعه و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی و شکست تمامی طرحهای صلح ارائه شده در دو دهه گذشته، نسبت به حل و فصل آن در کوتاه مدت نگاه بدبینانه‌ای دارند.

۲. عدم اشاره هیچ‌یک از دیدگاههای اسرائیلی به موضوع مرکزی و مهمی چون سرنوشت بیت‌المقدس - که به نوعی گره اصلی مسایل نهایی روند صلح محسوب می‌شود و به دلایل عدیده دینی، سیاسی و راهبردی هیچ‌یک از طرفین فلسطینی و اسرائیلی حاضر و قادر به چشم‌پوشی از این

نقطه راهبردی نیستند - در نوع خود قابل توجه و مهم است. به رغم اختلاف دیدگاههای اسرائیلی در خصوص پایه‌ها و اصول حل و فصل مناقشه که این اختلاف خود را به خوبی در میان احزاب و جریانها و رهبران سیاسی این رژیم نیز نشان می‌دهد، به نظر می‌رسد اجماعی نسبی میان تمام متفکرین و جریانهای سیاسی اسرائیل در خصوص لزوم حفظ بیت‌القدس به عنوان پایتخت ابدی اسرائیل وجود دارد. عمیر پرتز که اخیراً توانست پس از شکست شیمون پرز با تجربه بر کرسی ریاست حزب چپ و به اصطلاح صلح طلب اسرائیل تکیه زند، در یکی از اولین اظهارنظرهای خود در سمت جدید، بر یک پارچه و غیرقابل تقسیم بودن قدس به عنوان پایتخت ابدی اسرائیل تأکید نمود.

۳. مهم‌ترین نکته در دیدگاه اسرائیلی نیز این است که به رغم اختلاف دیدگاههای واضح در خصوص سیاست و گزینه پیش‌روی اسرائیل برای تعامل با وضعیت حال و آینده، تقریباً شبه اجماعی در این خصوص که شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی کنونی به هیچ‌عنوان نه تنها اجازه

تحقق شعار اصولی جنبش صهیونیسم - امنیت و گامهای بعدی مؤید این  
تشکیل دولتی با اکثریت یهودی در سرزمین  
بزرگ نیل تا فرات - را نمی دهد، بلکه این  
رژیم مجبور است برای دستیابی به امنیت  
خود از بخشی از سرزمین به اصطلاح موعود  
خود به نفع طرف فلسطینی چشم پوشی  
کند. عقب نشینی اسرائیل از نوار غزه و وعده  
به عقب نشینی از بخشهای دیگری در کرانه  
غربی و کشیدن دیواری در مرزهای خارجی  
خود - ساخت دیوار حایل در کرانه باختری،  
اطراف قدس و حتی بنابر برخی اخبار  
احتمال ساخت دیوار حایل در مرزهای  
شمالی با لبنان - اگرچه با توجیه امنیتی و  
جلوگیری از حملات گروههای مقاومت  
فلسطینی و لبنانی انجام می شود، ولی خود  
نشان از وقوع تغییری راهبردی در اهداف و  
اصول بنیادین بنیان گذاران جنبش  
صهیونیسم و سران سابق اسرائیل دارد.  
جامعه بین الملل نیز بر این دیدگاه صحه  
گذاشته و ندهای مختلف آمریکایی - اروپایی  
برای تشکیل دولتی فلسطینی در کنار دولت  
اسرائیل در یکی دو سال گذشته و پذیرش  
چنین ایده ای برای اولین بار از سوی سازمان  
ملل در چارچوب قطعنامه ۱۳۹۷ شورای